

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بهشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: تتمه احکام غسل

موضوع جزئی: حکم اجتماع اغسال متعدده بر مکلف

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۲۴ مهر ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۹ ربیع الأول ۱۴۴۴

جلسه: ۱۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۹۸ بود. عرض شد که این مسأله از دو منظر باید بررسی شود؛ یکی از منظر قواعد و دیگری از منظر نصوص و روایات. بحث مورد نظر از منظر قواعد که آیا قاعده، تداخل را اقتضا می‌کند یا تداخل را اقتضا نمی‌کند؟ در جلسات گذشته بررسی شد.

بررسی بحث، از منظر روایات

سؤال این است که آیا روایات وارده تداخل را اقتضا می‌کنند یا تداخل را اقتضا نمی‌کنند؟ یعنی آیا از روایات می‌توان استفاده کرد که انجام یک غسل، از اغسال متعدده‌ای که مکلف نیت کرده است، کفایت کند یا روایات، چنین چیزی را اقتضا نمی‌کنند؟ روایات وارده، در موارد خاصه‌ای وارد شده‌اند و بر فرضی که از این روایات، تداخل فهمیده شود، نمی‌توان آن را به سایر موارد تسری داد.

روایات متعددی در این رابطه وارد شده‌اند، اما یک روایت که بر کفایت إغتسال واحد از اغسال متعدده دلالت دارد، روایتی است که از چند طریق نقل شده است که مرحوم آیت الله خویی (ره) آن طُرُق را در کتاب موسوعه خود ذکر کرده است^۱ که در ذیل به آنها اشاره می‌شود و آن طریقی که سنداً مشکلی ندارد انتخاب می‌شود؛

طریق اول: ما رواه الكلینی بسند صحیح عن حریر عن زرارة؛

عَنْ حَرِيرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَاكَ غُسْلُكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْحِجَامَةِ وَ عَرَفَةَ وَ النَّحْرَ وَ الْحَلْقَ وَ الذَّنْبِجَ وَ الزِّيَّارَةَ، فَإِذَا اجْتَمَعَتْ عَلَيْكَ حُقُوقُ أَجْزَائِهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ» قَالَ: ثُمَّ قَالَ: «وَ كَذَلِكَ الْمَرْأَةُ يُجْزِيهَا غُسْلٌ وَاحِدٌ لِجَنَابَتِهَا وَ إِحْرَامِهَا وَ جُمُعَتِهَا وَ غُسْلِهَا مِنْ حَيْضِهَا وَ عِيْدِهَا»^۲.

این روایت، جامع‌ترین روایتی است که در این زمینه وارد شده است و بر این دلالت دارد که غسل واحد از اغسال متعدده کفایت می‌کند.

اگر ما باشیم و صدر روایت [، یعنی عبارت «إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ...»]، مضمره بودن از این روایت استفاده نمی‌شود زیرا احتمال دارد که همه این روایت، کلام زراره باشد، پس ممکن است که گفته شود که از صدر روایت استفاده می‌شود که روایت مذکور، کلام معصوم (ع) نیست، بلکه کلام زراره است، لکن جمله «قال: ثم قال» که در ذیل روایت آمده است بر مضمره بودن این روایت دلالت دارد و در این ظهور دارد که زراره این روایت را از شخص دیگری نقل کرده است و چون مضمر، زراره است، پس فهمیده

۱. سید ابوالقاسم موسوی خویی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۷، ص ۴۶ و ۴۷.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۴۳، ص ۲۶۱، ح ۱.

می‌شود که آن شخصی که زرارہ از او نقل کرده است، امام معصوم (ع) است، کما اینکه در روایات دیگر به این مطلب تصریح شده است و دأب و روش بزرگان این بوده است که روایات مضمرة‌ای که از طریق زرارہ نقل شده‌اند، تلقی به قبول می‌شده‌اند. البته نام امام (ع) در این روایت نیامده است، لکن با توجه به اینکه زرارہ معمولاً روایات را از امام باقر (ع) یا از امام صادق (ع) نقل می‌کند، فهمیده می‌شود که این روایت نیز از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) نقل شده است.

طریق دوم: ما رواه الشيخ عن محمد بن علي بن محبوب عن علي بن السندي عن حماد عن حريز عن زرارة عن أحدهما (ع) و هي مشتملة على عين الرواية المتقدمة بتبديل الحجامة بالجمعة؛

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع)؛ قَالَ: «إِذَا اغْتَسَلْتَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَاكَ غُسْلُكَ ذَلِكَ لِلْجَنَابَةِ وَالْجُمُعَةِ وَ عَرَفَةَ وَ النَّحْرَ وَ الذَّبْحَ وَ الزِّيَّارَةَ فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لِلَّهِ عَلَيْكَ حُقُوقُ أَجْزَائِهَا عَنْكَ غُسْلٌ وَاحِدٌ»، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: «وَ كَذَلِكَ الْمَرْأَةُ يُجْزِيهَا غُسْلٌ وَاحِدٌ لِحَبَابَتِهَا وَ إِحْرَامِهَا وَ جُمُعَتِهَا وَ غُسْلُهَا مِنْ حَيْضِهَا وَ عِيدِهَا»^۱.

در این طریق بر خلاف طریق اول، به جای کلمه «حجامة»، کلمه «جمعة» آمده است و به نظر می‌رسد که صحیح این است که کلمه «جمعة» در روایت باشد زیرا غُسل برای حجامت در شریعت نیامده است؛ هرچند که ممکن است که غسل برای حجامت در واقع مستحب باشد.

مشکل این طریق این است که علی بن سندی در این طریق واقع شده است که قابل اعتماد نیست لذا این طریق، ضعیف است.

طریق سوم: طریقی است که شیخ (ره) به اسنادش از محمد بن علی بن محبوب از حریز از زرارہ نقل کرده است و صاحب وسائل (ره) این چنین نقل کرده است و این طریق علاوه بر ارسالی که دارد، مشکل دیگری نیز دارد و آن، این است که محمد بن علی بن محبوب نمی‌تواند بدون واسطه از حریز، روایت نقل کند چون زمان این دو با هم متفاوت است و لذا محمد بن علی بن محبوب مستقیماً نمی‌تواند از حریز نقل کند.

طریق چهارم: طریقی است که ابن ادریس از کتاب محمد بن علی بن محبوب از علی بن سندی از حماد از حریز از زرارہ از أحدهما [امام باقر (ع) یا امام صادق (ع)] نقل کرده است. این طریق نیز به خاطر وجود علی بن سندی که قابل اعتماد نیست، ضعیف می‌باشد.

طریق پنجم: طریقی است که ابن ادریس از کتاب حریز بن عبدالله از زرارہ از امام باقر (ع) نقل کرده است. این طریق نیز به خاطر جهالتِ طریق ابن ادریس به کتاب حریز، ضعیف است، هرچند که ابن ادریس در آخرِ روایاتی که از کتاب حریز نقل کرده است، گفته است که کتاب حریز، أصل و معتمد است و همچنین، مرحوم شیخ صدوق (ره) نیز در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه کتاب حریز را از کتب مشهوره‌ای که به آن اعتماد شده و از کتب مرجع شناخته شده است، دانسته است، لکن در پاسخ عرض می‌شود که سلماً که این کتاب معتمد باشد، لکن مشکل این است که طریق ابن ادریس به کتاب حریز معلوم نیست. البته قدر متیقن از این عبارات، این است که اجمالاً اصل کتاب حریز مشهور و مورد اعتماد بوده است، ولی این بدان معنا نیست که همه نسخه‌هایی که از این کتاب وجود دارد، معتبر باشند.

جمع بندی

از بین طُرُق پنج‌گانه مشهور، طریق اول که طریق مرحوم کلینی (ره) است، صحیح است و مورد اعتماد است بنابراین، روایت مذکور، از حیث سند مشکلی ندارد.

۱. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۱، کتاب الطهارة، باب الأغسال المفترضات و المسنونات، ص ۱۰۷، ح ۱۱.

اما، کلام در دلالت این روایت است که آیا این روایت بر مدّعا دلالت دارد یا دلالت ندارد، یعنی آیا روایت مذکور، تداخل را در فرضی که اُغسال متعدّده که در قالب یک غُسل صورت می‌گیرند، واجب باشند، اقتضا می‌کند یا تداخل را اقتضا نمی‌کند مطلقاً، هرچند که آن اُغسال متعدّده مستحب باشند یا بعضی از آنها مستحب و بعضی دیگر واجب باشند؟

پاسخ این است که قدر متیقن از روایت صحیح مذکور، موردی است که همه اُغسال متعدّده، واجب باشند چون مورد تسالم بین اصحاب است و اصحاب در انجام اُغسال متعدّده‌ای که واجب باشند در قالب یک غُسل، بحثی ندارند و مشکلی را متوجه غُسل واحد که از اُغسال متعدّده کفایت کند، ندانسته‌اند و گفته‌اند که غُسل واحد از همه اُغسال واجب کفایت می‌کند و مُجزی است.

بحث جلسه آینده: بحث از تداخل، نسبت به اُغسال غیر واجب که همه آنها مستحب یا بعضی واجب و بعضی دیگر واجب باشند، ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»